

● عکس، تئاتر

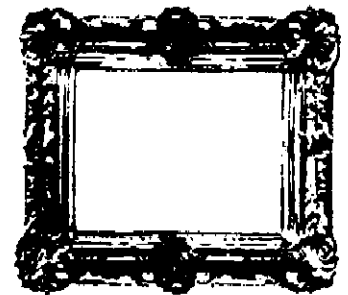
و عکاسی تئاتر

عکاسی تئاتر سهم موثری در هنر

تئاتر داشته است

دانیل سالناو

ترجمه: فاطمه ملکی‌زندی

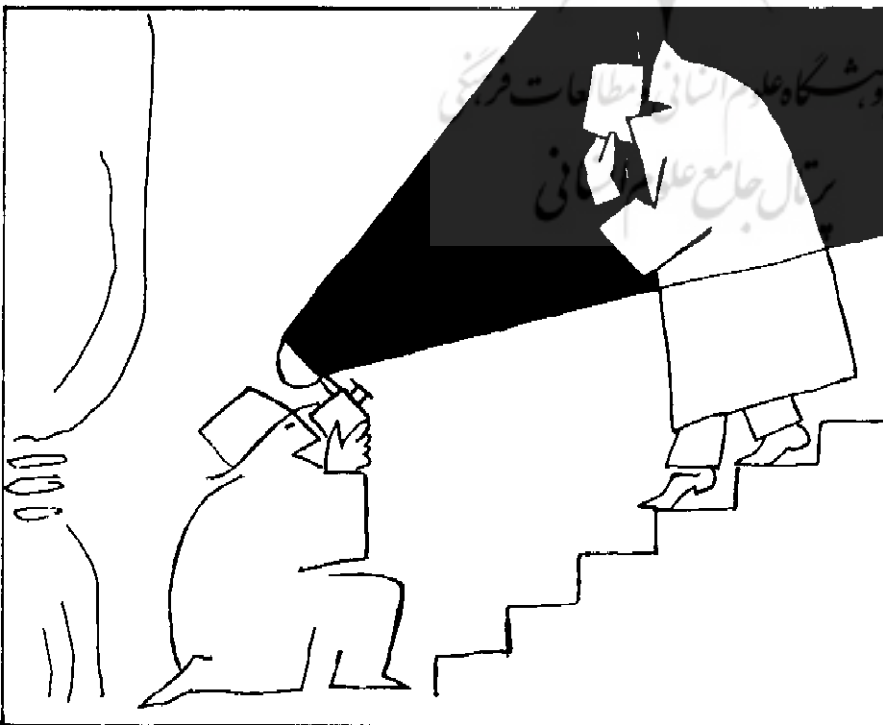


هزاران عکس تئاتر وجود دارد. ذهن ما ملول از خاطرات مربوط به تئاتر است که عکسهای تئاتر مولد آن هستند. با این همه، اگر از کسانی که چنین یادگارهایی را برجا گذاشته‌اند سؤال کنیم، به جز چند استثناء، از آینده‌شان با ناامیدی و نارضایتی سخن خواهند گفت و با اندک شادمانی از حضور فعلی‌شان یاد خواهند کرد. اگر از مردم عادی در مورد عکاسان تئاتر بپرسیم، اغلب، حتی نام آنها را نمی‌دانند، و از عکاسی تئاتر، به جز ردپایی ناشناس، خاطره‌ی چهره‌ای مشهور، یادگاری در ذهن و فرصت مناسبی برای درک گذشت زمان، چیزی درک نمی‌کنند. اساتید و دانشجویان تئاتر، تنها در فهرست دست‌اندرکاران تئاتر به جستجوی آنها می‌پردازند. تمام واقعیت همین است و نه بیش از این. و بالاخره، جراید از عکاسی تئاتر به عنوان عنصری ساده و معمولی در تئاتر بهره می‌برند. بهتر است از «آنگاهان» در این زمینه که عکاسی تئاتر را همواره فریبنده و گمراه‌کننده می‌دانند، حرفی نزنیم هرچند که همیشه هم در اشتباه نیستند.

پس بر عکاسی تئاتر چه می‌گذرد؟ هنرهایی چون باله و رقص سبب برانگیختن استعدادهایی در عکاسی شده‌اند و بسیاری از این آثار در مجلات یا کتابها به چاپ رسیده‌اند. اما در زمینه تئاتر، چنین اتفاقی نیفتاده است. توقعاتی که از عکاسی تئاتر وجود دارد چه از نظر تعداد و چه

از لحاظ شکل تقاضا، بسیار متفاوت و فراوان است: از تصویر یک بازیگر گرفته تا نقاشی‌های صحنه، تا عکاسی از ماکتها و اعلان نمایشها. معدالک عکاسی تئاتر، هنری است که به درستی معرفی نشده و حق واقعی آن ادا نشده است، کسی به آسانی نمی‌پذیرد که عکاسی تئاتر سهم موثری در هنر تئاتر داشته است. مؤسسات وابسته به تئاتر از اعلام چنین چیزی اکراه دارند: اساسنامه آن قانونی ثانویه و تابع است و همچنان در خدمت آثاری است که عکاسی تئاتر مشارکتی در خلق آنها نداشته و هرگز خواستار شرکت در آفرینش چنین فرمهای تئاتری نیز نبوده است.

بدون شک، مؤسسات تئاتری بنابر دلایلی به احیای عکاسی تئاتر کمی نمی‌کنند و احتمالاً وجود دو زبان متفاوت و تناقضات آنها یکی از آن عوامل به شمار می‌رود. به همین دلیل است که راه‌حل‌های آنها نیز نمی‌توانند به گونه‌ای اصولی باشند: معذرا بوده‌اند کسانی که نقش فراوانی در تغییر اساسنامه آن داشته‌اند (از آن جمله بعضی از عکاسان تئاتر). آن هم، به عنوان پاسداری از استقلال عکاسی تئاتر و خدماتی که می‌تواند نه تنها به عنوان یک شاهد صرف بلکه به عنوان عاملی فعال در تئاتر ارائه دهد. با این همه، عکاسی تئاتر باید با آوردن نمونه‌های موفق در این زمینه، با توان هرچه بیشتر در چنین نمایشی شرکت نماید و نیروی الهامی را که برخی از





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عکاسان را وامی دارد تا خود را وقف تئاتر کنند، به نمایش بگذارند.

اگر از هنرپیشگان و کارگردانان و به خصوص از بازیگران تئاتر خواسته شود تا نظر خود را در زمینه عکاسی تئاتر اظهار کنند، متوجه می‌شویم که این حرفه در عمل در سطح بسیار پایینی قرار دارد و تاثیر بسیار محدود و متکی بر ابزار عکاسی از خود نشان خواهد داد. تعداد کمی از کارگردانان، از عکاسان تئاتر برای تأسیس نشریه‌ای در زمینه فعالیت‌های تئاتر استمداد جسته‌اند؛ توقع بازیگران از نوع دیگری است، مثلاً بعضی برای دست‌یابی به شهرت، خواستار چاپ عکسهایشان شده‌اند. از سالها قبل، بعضی از کارگردانان به طور پیوسته، یک عکاس را برای مسابقه در یک یا چند نمایش شرکت داده‌اند، اما اکثر آنها جز در پایان برنامه یادی از عکاسان تئاتر نمی‌کنند، یعنی زمانی که آژانس‌های تبلیغاتی ترتیب جلساتی را می‌دهند تا در آنها عکاسان را متهم به عدم درک متن و میزانشن تئاتر کنند و این که هیچ نقشی در نمایش ندارند. در عین حال، بیش از گذشته، قراردادهایی بین عکاس با یک تئاتر (سیمیناچی و تئاتر پیکولو) یا با یک کارگردان برای زمان یک نمایش امضاء می‌گردد، که البته عکاس همیشه اختیار کامل عکس‌هایش را ندارد. به جز عکاسانی مانند سیمیناچی یا مارتین فرانک (که نزد آریان موشگین کار می‌کنند) بریکاز (که با همکاری و نیز در اجرای نمایشهای مولر و مسجوعه نمایش‌هایی که فصل تئاتر کاپورا بازگشایی کرده، شرکت داشته است)، برخی از آنها که مورد استفاده آژانس‌های تئاتری قرار گرفته‌اند، حتی اجازه انتخاب عکس‌هایشان را نیز نداشته‌اند و به ندرت در مورد کیفیت چاپ عکس‌هایشان با آنها مشورت می‌شود، اینان با شرایط ناچار به کار شده‌اند که هیچ خبرنگار یا گزارشگری با آن شرایط حاضر به فعالیت نخواهد بود. به این ترتیب، با گوشه چشمی به عقاید عموم، به این نکته برمی‌خوریم که تئاتر به عنوان پدیده‌ای ناهنجار، غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی مطرح می‌گردد که باید بدانند چگونه با نگاهی دقیق و با تسلط در کار، تماشاچی را جلب نماید: این واقعیت وجود دارد که تئاتر هنری موقتی است، اما سلسله پدیده‌هایی که آن را تشکیل می‌دهند از جنس پدیده‌هایی که هدفشان حرفه‌ای یا دوام یا تاریخی در حال تکوین است، نمی‌باشند.

تئاتر خود حاصل ساختاری عرضه‌شده در گذر زمان است، بنابراین تاریخی دارد که امکان دست‌یابی به آن ممکن است و حتی برخی از قالب‌های آن شایستگی تکرار را دارند. پس

صحیح نیست از عکاس تئاتر متوقع باشیم مثل یک عکاس خیابانی از آمادگی فوری برخوردار باشد، البته او می‌داند چطور از توانایی خود برای معرفی یک سری از عکس‌های بی‌دریی نمایشی در حال اجرا، استفاده نماید و نتیجه نهایی را برعکس ممتد و متوالی استوار سازد.

در همان حال نمی‌توان انتظار داشت که عکس‌ها تنها گزارشی صرف، بدون حضور ملموس عکاس و نقطه‌نظرهای او باشند؛ عمل یک عکاس از نوع فعالیت مکانیکی نیست. نگاه عکاس مانند نگاه ابزار عکاسی سرد نیست.

اساس عکاسی به طرز نادرستی معرفی شده، به طوری که آن را هنری خنثی تلقی می‌کنند. در حالی که اگر به حق از آن انتظار ثبت حرکات خاص تئاتری را داشته باشیم، باید بپذیریم که سهم او در یک نمایش به اندازه مشارکت یک بازیگر در آفرینش تمامی قسمت‌های نمایش است. بعضی، تجدیدنظرهای گاه ناگوار را ضروری می‌دانند: از آن جمله این که، در تئاتر با استفاده از عکاسی باید با نگاهی دقیق‌تر به فضا، زمان، موضوع و حرکات بنگریم، و از طرف دیگر، بازیگر و کارگردان می‌بایست خود را مهبای پذیرش تصویری از خودشان نمایند که قادر به کنترل آن نیستند. البته بعضی آن را پذیرفته‌اند، اما آماده نمودن تماشاگری که با نگاهی دیگر به عکاسی تئاتر می‌نگرد، هنوز باقی مانده است، تماشاگری که احساس می‌کند تعلق خاطر و نزدیکی او به تئاتر به وسیله عکاسی (تئاتر) کنار زده می‌شود.

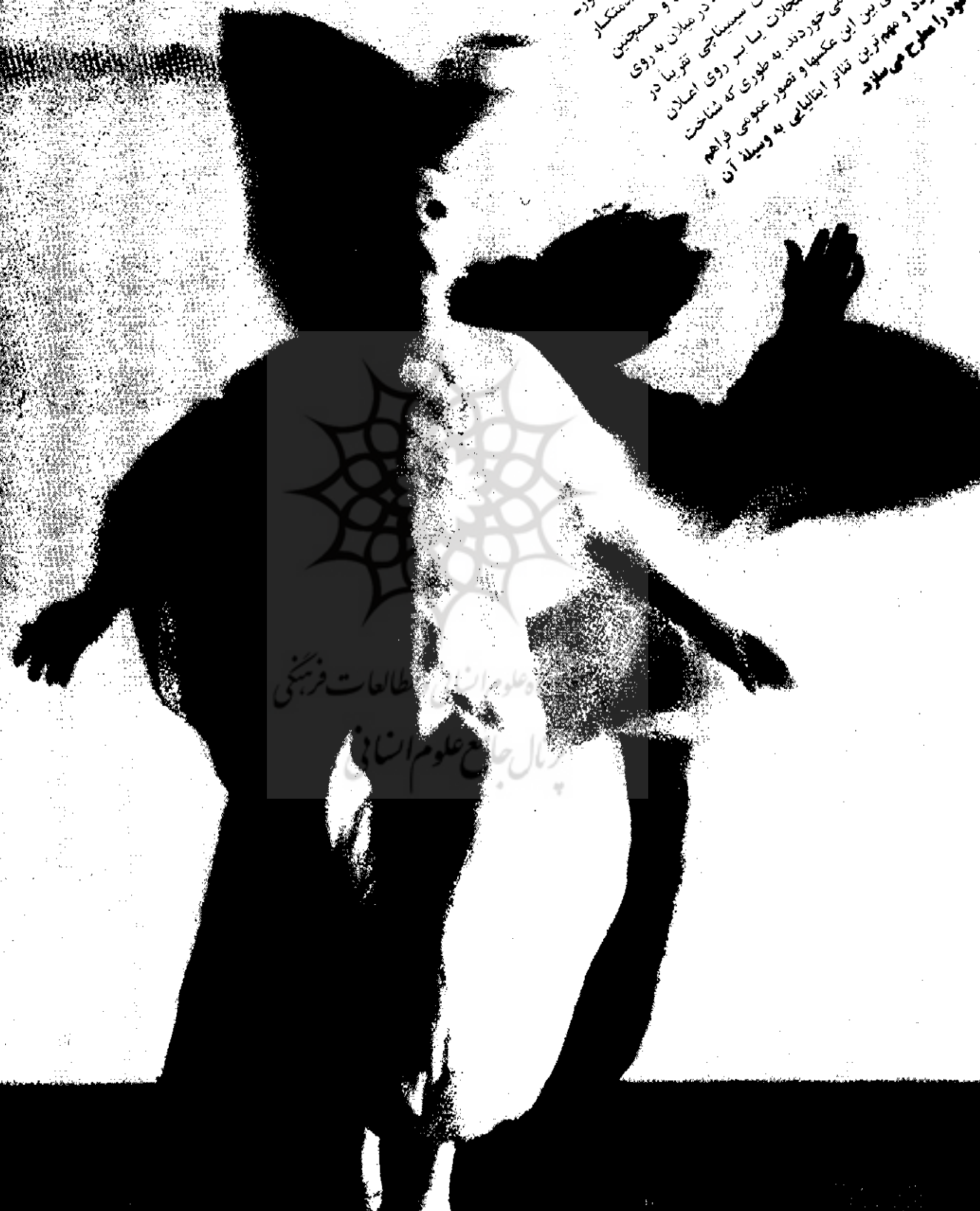
به هر حال، اگر تئاتر، جایگاه محدودی را در اجتماع اشغال کرده و عکاسی تئاتر نقشی ثانویه و فرعی در آن ایفا می‌کند، بدون شک به آنچه اغلب از عکاسی انتظار داریم مربوط می‌شود. اما در هر حال حرفه‌ای است که برای ثابت نگهداشتن خاطره ای موقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما چه چیزی برای وجود یک خاطره لازم است؟ آن نشانه ثابت برای یک حقیقت همیشه جوشان چیست؟ - غالب اوقات، توجه به واقعیت برای به روی صحنه آوردن آن است، و یا برای تجسم بخشیدن به یک نما (مثل یک کوجه یا یک پدیده خاص) از طریق پوستر، یا به یک موضوع (تاریخی یا موارد مختلف دیگر) با کمک بازیگر، و یا نمایش زندگی به وسیله نمایشنامه است. و این همان چیزی است که قبلاً نیز در تئاتر وجود داشته است. بنابراین عکاسی، این خطر را به جان می‌خرد که به عنوان یک طرف حرفه‌ای یا تکراری غیرضروری مورد هدف قرار بگیرد، و درست به همین دلیل هم اهمیتی به آن داده نمی‌شود. این خطر بوده که

قطعات به هم پیوسته نمایش عکاسی گرفتار تصاویر شوند، و ثابت شدن حرکت، سبب از دست رفتن طمطراق و وقار حرکات تئاتری گردد، و اینکه عکاسی، افسونی را که به تئاتر توان و امکان عمل می‌دهد، محو و زایل نماید. بالاخره، عکاسی تئاتر، به وضوح، جذبه تئاتر و تخیلات فریبنده موجود در آن را از بین می‌برد.

شکی نیست که در عکاسی چیزی است که نافوس تخیلات فریبنده را به صدا درمی‌آورد، پیروزی اجتناب‌ناپذیر واقعیت بر اصل خوشایند بودن. و همین است که ثبات خیالی تصاویر عکاسی را به طرز بیرحمانه‌ای نابود می‌کند، این صدای زنگ موقت، تمامی حرکات و حالات صورت بازیگر را دربرمی‌گیرد و مانع از انجماد آن در یک وضعیت ثابت می‌گردد. هرچند، شاید احتراز از یک دکور در تئاترهای ایتالیایی مشکل‌تر از دوری جستن از عکاسی باشد که چیزی بر جذابیت‌های تئاتر نمی‌افزاید، اما پیوند محبت‌آمیز بین عکاسی و تئاتر از همین جا سرچشمه می‌گیرد، به طوری که آنها در کنار هم چهارچوب نمایش را اشباع می‌کنند، البته نمی‌توان فراموش کرد که هر دو ریشه‌ای مشترک در تاریخ نمایش دارند، تئاتر کلاسیک غربی با استفاده از دکورهای نمایشی زمان رنسانس ایتالیا، زائیده تئاتر آنتیک است؛ و عکاسی در میانه قرن نوزدهم، میراث چشم‌اندازهای فریبنده تئاتر ونیزی و نقاشی‌های دکورهای آن دوره را بردوش دارد. شکوه صحنه در نمایش‌های ایتالیایی، دکورهای نمایشی کاملاً متضاد را از بین برد و به همراه آن چهارچوب نمایش، فواصل و دیوار چهارم شفافی که تصاویر را از خود عبور دهد، انقلاب تئاتر که تأثیراتش بر صحنه نمایش‌های ایتالیایی نیز منعکس گردید، از همین جا آغاز می‌شود (سیکو راما و غیره) تا حدی که عکاسی دیگر از تأثیر مضاعفی که چهارچوب نمایش و پرده‌های مختلف آن بر او تحمیل می‌کند، ایایی ندارد. برعکس، حتی تأثیرات شگفت‌انگیز نمایش و توانایی‌های مسلم آن را با فاصله و با کمی تأخیر نشان می‌دهد.

عکاسی می‌تواند با شیوه‌ای نمایشی برای کار خود از تئاتر استفاده کند، آن هم نه با سکون قراردادی عکاسی، بلکه با برجسته کردن آن، از طریق بزرگ نمودن ماسک‌ها، کندی در افعال، و تعلق حساب شده معمول. آیا در کابوکی صحنه‌ای نیست که دیوار از آن استفاده شده باشد؟ دومین بار به قدری کند تا تماشاچی بتواند خود را در بازی بازیگر درگیر کند و در جزئیات پرطمطراق پنهان در حرکات آنها وارد شود. زیرا در توقف حرکات و لب فروستن‌هاست که عمق بی‌حرکتی

مؤلفه سال ۱۹۳۷ در میلان نام لویجی
 میمنجی از سن هیجده سالگی با نام قنار
 پتکولو میلان پیوند می خورد زیرا در آن جا به
 عنوان عکاس درستی، به همکاری نزدیکی با جورج
 جیوستر هاری می پردازد. تا وسیع آلبوم و همچنین
 مستنده دوران را، تا نمایشهای دیگری که در میلان به روی
 میگرداند، و نمایشهای دیگر، مجلات با سر روی اعلان
 صحنه می آمدند. عکسهای میمنجی تقریباً در
 هرجایی در چشم می خوردند. به طوری که شناخت
 نمایشها به چشم بین این عکسها و تصور عمومی فراهم
 می گردد و مهم ترین قنار ایتالیایی به وسیله آن
 خود را مطرح می سازد.



موسسه علمی و فرهنگی
 مرکز تحقیقات و توسعه
 پژوهش‌های علمی و فناوری
 مرکز مطالعات و تحقیقات
 علمی و فرهنگی



پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
وبسگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، احمد محمود و... چنان که می‌دانیم از برخی آثار این نویسندگان در عرصه سینما استفاده و اقتباس‌هایی نیز شده و چند تن از آن‌ها نیز به طور مستقیم برای سینما، فیلم‌نامه‌هایی پدید آورده‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها غلامحسین ساعدی و هوشنگ گلشیری می‌باشند.

تردیدی نیست که این بخش، آن چنان که باید و شاید حق مطلب را در باب پیشینه داستان روشن نمی‌سازد، زیرا، قصد تنها مروری اجمالی بود تا درک ساختمان داستان با پیش ذهنیتی میسر گردد. چرا که این مقاله قصد پرداختن به سینما را دارد و نمی‌خواهد به تفصیل به ادبیات داستانی بپردازد. □

پانویس

- ۱- داستان و نقد داستان - احمد گلشیری - جلال‌نخست - تهران، ۶۸ - ص ۲۵
- ۲- عنصر تکرار شونده
- ۳- داستان و نقد داستان - احمد گلشیری، ص ۱۵ و ۱۶
- ۴- همان، ص ۱۹

● عکاسی تئاتر

بقیه از صفحه ۱۳۴

و سکونی که در تئاتر وجود دارد، به نمایش گذارده می‌شود.

پس باید تصدیق کرد که عکاسی بیانگر مقاصد و الهامات اصلی فعالیتهای تئاتری است، به خصوص در مورد آنچه به ضبط تأثیرات و کنترل آنها مربوط می‌شود. با بازیگر و کارگردان است که بتوانند قسمتی از این لرزه‌های متوالی اما خفیف را که در عکس‌های صحنه‌ای در حال اجرا وجود دارند، فراهم کنند. آنچه از مدت‌ها قبل به اهمیت آن پی برده شده، هرچند با تأخیر، ضایع نکردن اصل آرشیهایی است که قبلاً تهیه شده است. به لطف عکاسی، فهرستی تاریخی از فرم‌های متفاوت، دستور چگونگی حرکات دست و بازو، آثارنمایشی ملل مختلف و تغییر شکل‌های تاریخی آنها تنظیم نموده که برای محافظت از آنها مکانی در نظر گرفته شده است. خلاصه آنکه، در عکاسی تئاتر آنچه برای تغذیه پروژه‌ای عظیم در هنر و مؤسسات هنری لازم است، وجود دارد.

● دیالوگ در...

بقیه از صفحه ۸۹

ماجراهای هیجان‌انگیز یک فیلم است، چرا که حوادث با تصویر نشان داده می‌شود، و افکار و مقاصد و احساسات شخصیت‌ها با گفتار بیان می‌گردد. به علاوه استفاده از صدای انسان و سروصداهای دیگر درک حضور حوادث را به میزان زیاد تشدید می‌کند. تماشاگر تنها وقتی اعتراض دارد که گفتگوها آن قدر کم باشد که حوادث را به قدر کافی تشریح نکند، و یا برعکس، حادثه بسیار کم و گفتگوها طولانی و خسته کننده باشد.

نتیجه می‌گیریم که دیالوگ رابطه‌ای ارگانیکی با کل ساختار فیلم دارد، که باید با ترکیب اصیل تصویری موزایی شود، اگرچه پاره‌ای از اوقات، و شاید در بسیاری از فیلم‌ها، به قیمت تداخل و ایجاد مزاحمت در درک مفاهیم تصویری منجر می‌شود. □

● جنسواره تئاتر

بقیه از صفحه ۱۱۵

نقش، ارتباط با محیط و فضای نمایش و توان تجربی در ارائه شخصیت.

همچنین در بخش بازیگری هیئت داوران با اهدای دیپلم افتخار به خانم فرشته انصاری بازیگر نمایش «فاجعه‌ای با موهای ترد قهوه‌ای»، از زاهدان و دیدار رزاقی بازیگر نمایش «بی تو مهتاب شبی»، از شیراز و همینطور به آقای کاظم همایی بازیگر نمایش «فرمان خاتون»، از همدان، قدردانی کرد.

○ طراح صحنه برگزیده

هیئت داوران در این بخش تنها به طراح نمایش «شادر آتش» از مشهد به دلیل در خدمت بودن عوامل و عناصر طراحی شده در صحنه که در روند مفاهیم و ارائه لحظات مختلف قرار می‌گیرد، دیپلم افتخار اهداء نمود در این بخش هیئت داوران طراحی صحنه برگزیده ندارد.

○ بهترین نمایش به مفهوم مطلق

هیئت داوران در میان آثار ارائه شده در بخش مسابقه جشنواره، نمایش «مهره در مهره را بخاطر: نمایشنامه‌ای با دیالوگهای روان و استفاده از فرهنگ عامیانه مخصوص این نوع سنت‌ها و کارگردانی برای طراحی صحنه و میزانش و ریتم و بازیهای روان و...» با اهدای تندیس زرین جشنواره و دیپلم افتخار و ۵۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه نقدی، به عنوان بهترین نمایش به مفهوم مطلق برگزید.

○ هیئت داوران در بخشهای طراحی لباس، بهترین موسیقی زنده، بهترین موسیقی انتخابی و طراحی گریم برای اهداء جایزه انتخابی نداشت...